



Ancient City, Modern Life (Case Study: Dezful City)

Mansoureh Mehrgan

Assistant professor Department of Geography and Urban planning, Andimeshk Branch, Islamic Azad University, Andimeshk, Iran.

Abstract

Historical fabric is inherently harmonious, as it has organically evolved over time based on the needs of citizens. Its constituent elements are coherent and complement each other, contrasting with the anomalies and inconsistencies we see in modern urban spaces. Additionally, in historical fabrics, there are spatial realms of various scales, from the private realm of a house to the semi-private realm of a gateway and the public realm of passage; the passage leads to crossroads, markets, and ultimately to the bazaar. The historical fabric of Dezful, with an area of 240 hectares and over 113 nationally registered monuments, has a historical background dating back thousands of years, making it one of the oldest cities in Khuzestan Province. Therefore, this article attempts to first examine the concept of the old fabric and its structure; then it delves into the continuity, coherence, and relationship of Dezful's historical fabric with the modern fabric of this city in urban studies - to revive it - this connection occurs in a balanced and sustainable manner when the entity of the old city structure is understood, and its roots of continuity are examined and strengthened. This article pays attention to the issue of the old fabric on a macro scale and modern life on a micro scale. The old fabric of Dezful city can be strengthened and highlighted from a museum valuation perspective, which requires conservation policies and programs, and there is another approach based on comprehensive revitalization and revitalization.

Keywords: Ancient City, Modern Life, Fabric, Dezful City



نشریه علمی اندیشه‌های نو در علوم جغرافیایی، دوره ۲، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۳، صفحات: ۱۱۱-۱۲۴
شاپا: ۱۴۳۳-۲۹۸۱



تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

شهر قدیمی، زندگی امروزی (مطالعه موردی: شهر دزفول)

منصوره مهرگان

استادیار گروه جغرافیا، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران

چکیده

بافت تاریخی در ذات خود هماهنگ است، چون به صورت ارگانیک و در طول زمان و با توجه به نیاز شهروندان شکل گرفته است. عناصر تشکیل دهنده آن هماهنگ هستند و یکدیگر را کامل می کنند. درست در مقابل ناهنجاری و ناهماهنگی که در فضاهای شهری امروزی می بینیم. علاوه بر این در بافت های قدیمی، عرصه های فضایی با مقیاس های مختلف وجود دارد. از عرصه خصوصی که خانه است تا عرصه نیمه خصوصی که درگاه است و عرصه عمومی یعنی گذر؛ گذر هم به چهار سوق و بازارچه و سرانجام به بازار منتهی می شود. بافت تاریخی دزفول با ۲۴۰ هکتار وسعت و بیش از ۱۱۳ اثر ثبت ملی و با پیشینه تاریخی چند هزار ساله خود که یکی از قدیمی ترین شهرهای استان خوزستان به شمار می رود. بدین ترتیب در این مقاله سعی شده است، ابتدا به بررسی مفهوم بافت قدیمی و ساختار آن پردازد؛ سپس پیوستگی، تداوم و ارتباط بافت قدیمی دزفول با بافت امروزی این شهر را در مطالعات شهری مورد بررسی قرار دهد - تا بتوان آن را احیا نمود - این ارتباط به صورت متعادل و پایدار زمانی رخ می دهد که موجودیت ساختار شهر قدیم شناخته شود و ریشه های تداوم آن نیز بررسی و تقویت گردد. این مقاله توجه اخذ به مقوله بافت قدیم، در مقیاس کلان و زندگی امروزی در مقیاس خرد دارد. بافت قدیم شهر دزفول را می توان هم از دیدگاه ارزشگذاری موزه ای تقویت و مورد توجه قرار داد که مستلزم سیاست ها و برنامه های حفاظتی است، و نگرش دیگری هم وجود دارد که مبتنی بر زنده کردن و روان بخشی همه جانبه است.

واژگان کلیدی: شهر قدیمی، زندگی امروزی، بافت و شهر دزفول

مقدمه

از هر گوشه که به شهرها نگریسته شود آنها را در پیدایش، شکل‌گیری، حراست، گسترش، دگرگونی و سقوط ایدئولوژی‌ها کانون اصلی هستند. چرا که شهرهای امروزی، بیشتر به عنوان مراکز بزرگ اقتصادی-اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. بی‌جهت نیست که اعتبار و اهمیت اغلب مادر شهرهای ناحیه‌ای را در توانایی بخش مرکز تجارت شهر - جایی که محل برخورد فرهنگ وارداتی با فرهنگ بومی و سنتی محسوب می‌گردد - جستجو می‌کنند هر چند که در بخش تجارت همه‌ی آثار تاریخی، کتابخانه‌های معتبر، موزه‌های هنری و خصیصه‌های فرهنگی فعالیت گسترده‌ای دارند. واردات اتومبیل و یا متناژ آن، به سرعت شکل بندی خیابان‌ها را به هم می‌زند و حومه‌های جدیدی به روی طبقه شهری گشوده می‌شود. شهر کانون عمده سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی می‌گردد و بیشتر درآمد حاصل از فروش منابع معدنی و مواد اولیه در شهرها به کار می‌افتد (شکوئی، ۱۳۹۰).

با این تحولات شهرهای ایرانی نیازمند به توجه بیشتری هستند. بهبود زندگی شهری و تحقق الگوی توسعه پایدار بدون استقرار یک نظام حقوقی کارآمد امکان‌پذیر نیست. نظامی که با مفاهیم فرهنگ و هنر، عدالت، برابری و حقوق فردی و اجتماعی بیگانه نباشد. قانون، شهر و تمدن سه همراه تاریخی دیرینه‌اند. آثار بر جای مانده از تمدن‌های پیشین پند آموزند و باید از آنها بدرستی حفاظت کرد. نظریه "شهر فرهنگی" کوششی برای همزیستی دو مفهوم متضاد است: توسعه شهری که ذاتاً تحول‌گرا و میراث فرهنگی که ذاتاً حفاظت‌گراست. بر پایه چنین اندیشه‌ای آثار تاریخی، خرابه‌هایی بی‌ارزش و مانعی برای نوگرایی شهری به شمار نمی‌آیند؛ آنها هویت تاریخی یک ملتند که همانند گوهری گرانبها سزاوار "بودن" و "دیدن" هستند (کامیار، ۱۳۹۴).

هدف از نگارش این مقاله توجه اخذ به مقوله بافت قدیم، در مقیاس کلان و زندگی امروزی در مقیاس خرد است که چنین پژوهشی با چنین دیدگاه علمی، تا قبل از اجرای طرح‌های جدید شهری در کشور ایران سابقه نداشته است. بافت‌های قدیمی دارای چنان کیفیت محیطی هستند که ما الان قادر به ایجاد آن نیستیم. این کیفیت محیطی با ارزش‌های زیبایی‌شناختی همراه است. فضای کالبدی در این بافت‌ها خاطره‌انگیز است، ما را با سازمان فضایی زندگی نسل‌های گذشته آشنا می‌کند و نشان می‌دهد ما دارای مدنیت جدی و شایسته بوده‌ایم. این در واقع همان چیزی است که امروزه با عنوان هویت مطرح می‌شود.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق مقاله، کیفی، توصیفی و تحلیلی است. به منظور ارتقاء کیفیت زندگی در بافت قدیمی شهردزفول کوشش شده است با رویکردی این بافت را در تمامی شئون زندگی با شهر امروزی هم‌پیوند شود و همان زندگی را که در بافت‌های امروزی ایجاد شده است در بافت‌های قدیم هم جاری شود. با توجه به چند وجهی بودن ساختار شهر، مدل مفهومی چگونگی جاری شدن زندگی و فعالیت در این بافت، در سه ساختار: مکانی-کالبدی، معنایی و اجتماعی تحلیل گردیده است. در فرایند پژوهش برای تکمیل موضوع از مطالعات میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای و طرح‌های شهری استفاده شده است.

مبانی نظری

تعریف شهر

تغییر در واکنش های انسان ها نسبت به هم و نسبت به محیط، به تحول اجتماعی و دگرگونی فضایی امکان داده که نمود عینی آن به صورت یک پدیده ی نو که اصطلاحاً "شهر" نامیده می شود، نمایان گردیده است (نظریان، ۱۳۸۸).

هویت فضای شهر

قبل از پرداختن به هویت فضای شهری و نحوه ی متبادر شدن هویت در ذهن شهروندان از هر فضای شهری، لازم است ابتدا واژگان مربوط به موضوع را تعریف کنیم و سپس به نحوه ادراک محیط شهری در ذهن مخاطب فضای شهری پردازیم.

تعریف فضای شهر

فضای شهری جزئی جدا نشدنی از ساخت اصلی شهر است. فضای شهری به ترکیبی اطلاق می شود که از فعالیت ها، بناهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اداری، تجاری و مانند آن و عناصر و اجزا شهری به صورتی آراسته، هماهنگ و واجد نظم، همچنین با ارزش های بصری سازمان یافته باشد. فضاهای شهری که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. (رزقی، ۱۳۹۲)

تعریف بافت شهری

بافت شهر کمیتی پویا و در حال تغییر است که وضع کالبدی شهر و چگونگی شکل گیری آن را در طول زمان نمایان می سازد. بافت شهر نمایانگر دانه بندی فضاهای کالبدی شبکه ارتباطی، نحوه دسترسی ها، چگونگی توزیع فعالیت ها و در نهایت شکل گیری و گسترش شهر در طول تاریخ است (قربانی، ۱۳۹۴).

فرایند ادراک محیط

ادراک محیط فرایندی است که در مرکز هرگونه رفتار محیطی قرار دارد، زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است. محیط ها تمام حس ها را تحریک می کنند و فرد را با اطلاعاتی بیش از توان پردازشش رو برو می سازند (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲). کنترل محیط طبیعی بر عملکردهای انسان آنقدر تاثیر گذار است که گاه ما را به سمت جبر محیطی سوق می دهد. فرایند درک محیط همواره دارای یک دیدگاه ترکیبی است. از محیط طبیعی به عنوان بستر شکل گیری شهر گرفته تا محیط مصنوع ساخته شده توسط انسان سخن می گوید. روشن است قلمرو محیط، و درک آن دشوار است. زیرا این دو تاثیر متقابل بر هم دارند اثر می گذارد و اثر می پذیرد.

ساختار بافت شهری

هویت بافت شهری را می‌توان در سه ساختار؛ ساختار مکانی - کالبدی، ساختار معنایی و ساختار اجتماعی شهر بررسی نمود.

ساختار مکانی - کالبدی

مهمترین ساختار هویت شهر، ساختاری مکانی - کالبدی شهر است. زیرا شکل کالبدی شهر متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. در واقع کالبد شهر امکان‌بازشناسی هویت شهری را به صورت چشم‌انداز فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ساختارها هویتی اهمیت بیشتر دارد. مکان، مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان هاست. مرکزی است که در آن از رویدادهای مختلف، تجربه زندگی می‌آموزیم. رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکان‌های معین بر اهمیت جلوه می‌کنند. علت افتراق مکان‌ها، تمرکز ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، هدف‌ها و تجربه‌های مختلف در آن هاست. از این رو، مکان‌ها، عوامل اصلی در سامانمندی تجربیات و قضاوت‌های ما از جهان می‌باشند. بدینسان که ماهیت مکان یک شهر، نه از محل استقرار، نه از کارکردهای ضعیف، نه از اشغال آن بوسیله جامعه و نه از تجربیات مادی ما منشاء می‌گیرد. بلکه همه عوامل فوق، ضرورتاً چهره و ماهیت مکان و کالبد شهر را شکل می‌دهند. یعنی مکان، شخص، زمان و عمل آگاهانه، یک بخش وحدت‌پذیری را تشکیل می‌دهد (شکوئی، ۱۳۸۲).

ساختار معنایی

ساختار معنایی یعنی این که شهر تا چه اندازه می‌تواند به وضوح درک شود، از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد، ساکنانش آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزشها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. در واقع مکان، زمانی معنا پیدا می‌کند که درک حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود بر جایی گذاشته باشد (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲). در واقع بدون ساختار معنایی، ایجاد ادراک مکانی و هویت فضایی در محیط شهری نمی‌توان به آن وابستگی و تعلق خاطر داشت و بدون احساس تعلق نمی‌توان به جنبه‌های زیبایی و نمادین مربوط به بعد فضایی شهر رسید.

ساختار اجتماعی

در هر اجتماعی الگوهای رفتاری منحصر به فردی وجود دارد که سبب می‌شود تا اعضای این اجتماع از دیگر اجتماعات تمایز یابند. مجموعه مشخصی از این الگوهای رفتاری را می‌توان با عنوان ساختار اجتماعی در نظر گرفت، در درون هر ساختار اجتماعی "ساختار جمعی" متعددی وجود دارد که از هم جدا و با هم تداخل دارند. در شهرهای با بافت قدیمی که امروزه دچار دوگانگی شده‌اند، ساختار اجتماعی اشکال متعدد و متنوعی از سنتی گرفته بر اساس معیارهای خانوادگی، فامیلی و هم‌محلی تا هویت‌های جدید بر اساس معیارهای حرفه‌ای وجود دارند. از آنجایی که شهر امروز عرصه تغییرات و تحولات بی‌شمار است احتمال بیشتری وجود دارد که افراد به ویژه مهاجرین از هویت قبلی خود

کنده شوند و در وضعیت ناپیوستگی به هویت های جدید یا عدم شکل گیری آن ها به مسئله بحران هویت دچار آیند. اما به طور معمول مهاجرین با گرد هم آمدن و تجمع مکانی در کنار یکدیگر به باز تعریف هویت گذشته که عمدتاً روستایی و یا عشایری است، در این شهر امروزی ساختار اجتماعی خاص خود را حفظ می کنند (زبردست، ۱۳۸۳).

نمونه موردی بافت قدیم شهر دزفول

معرفی بافت قدیم شهر دزفول

شهر دزفول با قدمتی بیش از ۵ هزار ساله جزء شهرهای حائز اهمیت است که دارای بافت قدیم به مساحت ۲۴۰ هکتار بیش از ۱۱۳ اثر ثبت ملی در حاشیه رود دز می باشد و طبق تقسیم بندی محله ای ۲۸ محله تقسیم شده است که هر محله دارای مرکز محله، مسجد، مدرسه، قمش (سربطاق) و حمام بوده، که هر کدام از این عناصر موثر در شیوه زیستن مردم در آن اعصار بوده است (شکل ۱). این بافت دارای ۱۲ هزار واحد مسکونی به غیر از فضاهای مسکونی و تجاری می باشد و یکی از قدیمی ترین بافت های تاریخی کشور شناخته شده است. حدود ۱۸ قرن پیش یعنی در حدود سال ۲۶۰ میلادی شاهپور اول ساسانی پس از غلبه بر روم تعدادی از اسرای رومی را در دزفول امروزی اسکان داد و توسط آنها پلی بر روی رودخانه احداث کردند در مجاورت این پل قله ای نظامی بنانهاد که این قلعه بنیان محله قلعه فعلی یعنی اولین محله دزفول قرار گرفت. این محله از قرارگیری خانه های کوچک و بزرگ در کنار هم بوجود آمده است، خانه هایی که اکنون خاطرات چندین نسل را به یادگار دارد و اعتقادات و فرهنگ و شیوه زندگی نیاکان را به ما آموزش می دهند. این شهر در دوران چهارم و پنجم هجری تا زمان قاجاریه گسترش پیدا کرده است. گسترش شهر جدید در دوران معاصر بعد از سال ۱۳۱۰ هجری شمسی همرا با خیابان کشی های شطرنجی در کنار بافت تاریخی شهر تا امروزه ادامه دارد (شکل ۲). (حامدی نیا، ۱۳۹۳)



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی، ۲۸ محله بافت قدیمی شهر دزفول

مآخذ: <https://chamadaneabi.ir/mahallate-dezful/>



شکل ۲. موقعیت خیابان کشی های جدید در درون بافت و قرارگیری مراکز محله و شهر

مآخذ: یزدان، جلیلی، ۱۳۹۴

عوامل شکل دهنده به هویت مکانی در بافت قدیم دزفول

ساختار مکانی - کالبدی

بافت قدیمی شهر دزفول در ذات خود هماهنگ است، چون به صورت ارگانیک و در طول زمان شکل گرفته است. عناصر تشکیل دهنده آن هم پیوند هستند و یکدیگر را کامل می کنند. درست در مقابل ناهنجاری و ناهماهنگی که در فضاهای جدید این شهر می بینیم. علاوه بر این در بافت قدیمی دزفول عرصه های فضایی با مقایس های مختلف وجود دارد. از عرصه خصوصی که خانه است تا عرصه نیمه خصوصی که درگاه است و عرصه عمومی یعنی گذر، گذر هم به چهارسوق و بازارچه و سرانجام به بازار منتهی می شود. بنابراین در سلسله مراتب ویژه ای؛ فضاهای ارزشمند با مقیاس و تعریفی مشخص شکل گرفته است. در حالی که در بافت جدید این شهر از منزل خارج می شوید پا با خیابان می گذارید، بعد از خیابان فرعی می رسید به خیابان اصلی و ناهماهنگی در ساخت شهر مشاهده می شود (شکل ۳).



شکل ۳. نقشه شهر دزفول

مآخذ: اداره میراث فرهنگی شهرستان دزفول، ۱۳۹۸

نظم فضایی

بافت تاریخی شهر دزفول ارزش های گوناگونی دارد. این بافت دارای چنان کیفیتی محیطی است که ما الان قادر به ایجاد بافتی چون آن نیستیم. این کیفیت محیطی با ارزش های زیبایی شناختی همراه است. فضای کالبدی در این بافت خاطره انگیز است، ما را با سازمان فضای زندگی نسل های گذشته آشنا می کند و نشان می دهد ما دارای مدنیت جدی و شایسته ای بوده ایم. در حال حاضر کمبودها و نارسایی های این بافت موجب می شود حسرت بخوریم که چرا امروزه نمی توانیم از این بافت بهره مند شویم و در آن زندگی کنیم.

به طور کلی بافت قدیم شهر دزفول را می‌توان هم از دیگاه ارزشگذاری موزه ای تقویت و مورد توجه قرار داد که مستلزم سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظتی است، و نگرش دیگری هم وجود دارد که مبتنی بر زنده کردن و روان بخشی همه جانبه است لذا این بافت را باید به الزامات زندگی امروزی مجهز کرد چون بجز تاثیر نوستالژیک، امروزه هم می‌توانیم از این بافت استفاده کنیم. یعنی در واقع از وجه مادی این ثروت به یادگار مانده بهره مند شویم. درصد قابل تعریفی از سطح شهر دزفول را این بافت تشکیل داده است، که اهمیت وجه کمی آشکارتر می‌شود. هر چند همه این سطوح را بافت‌های ارزشمند تشکیل نمی‌دهد اما میزان آن چشمگیر است. در این بافت تاسیسات زیربنایی وجود دارد و با اعمال سیاست‌های مرمتی، بهسازی، نوسازی و روانبخشی می‌توان از این ثروت موجود بهره مند شد.

طراحی با توجه به اقلیم

طراحی اقلیمی روشی است برای کاهش همه جانبه هزینه انرژی یک ساختمان. طراحی ساختمان اولین خط دفاعی در مقابل عوامل اقلیمی خارج بناست. در تمام اقلیم‌ها، ساختمان‌هایی که بر طبق اصول طراحی اقلیمی ساخته شده‌اند، ضرورت گرمایش و سرمایش مکانیکی را به حداقل کاهش می‌دهند و در عوض از انرژی طبیعی موجود در اطراف ساختمان استفاده می‌کنند. مبالغی که در دراز مدت صرفه جویی می‌گردد موجب می‌شود که اجرای تکنیک‌های طراحی اقلیمی بهترین نوع سرمایه‌گذاری برای مالکین ساختمان‌ها باشد (قبادیان، ۱۳۸۴).

طراحی متناسب با اقلیم بافت قدیم دزفول نقش زیادی در شرایط آسایش محیطی دارد و این بافت را عین محیط کرده است (شکل ۴). این موضوع در بافت قدیم شهر دزفول با اقلیم خاص طراحی متناسب با محیط از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. در میان عوامل اقلیمی، دما نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به فرم این بافت شهری جهت‌گیری خیابان، ارتفاع و تراکم ساختمان‌ها و ... داده است. در بافت‌های جدید شهر دزفول با وجود تجربه‌های غنی معماری قدیمی، طراحی متناسب با اقلیم به خوبی مورد کاوش قرار نگرفته است. فقط خلاقیت‌های طراحی اقلیمی متناسب با درجه حرارت و گرمای محیطی در بافت قدیم این شهر دیده می‌شود.

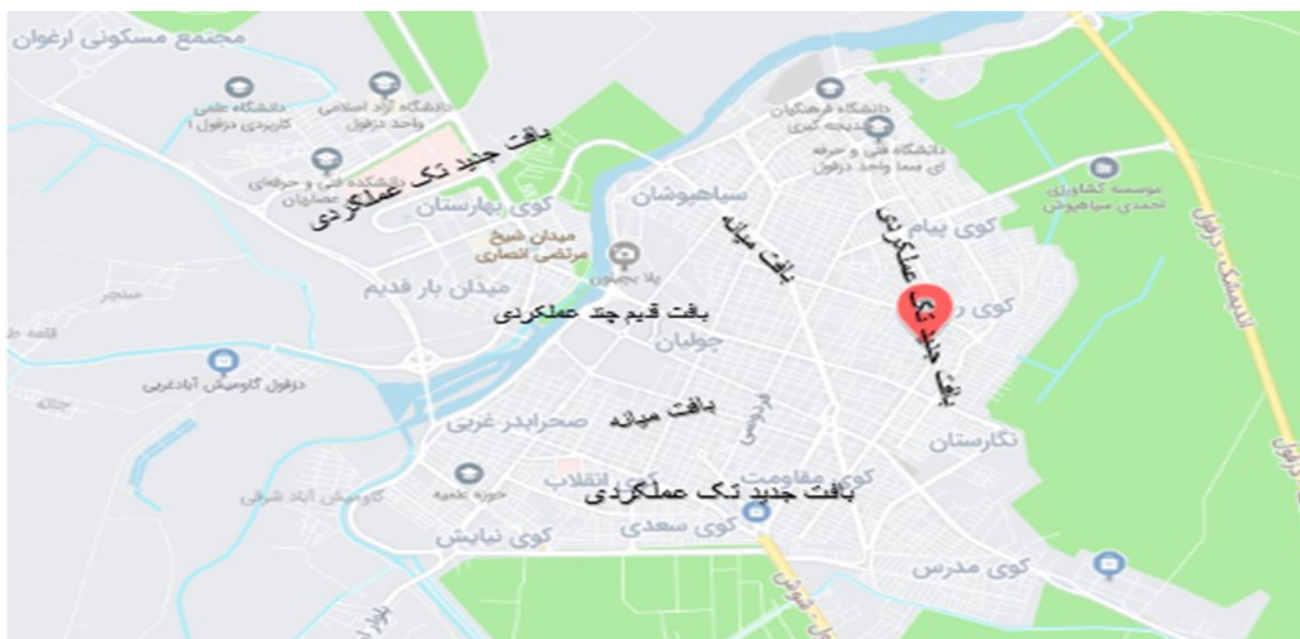


شکل ۴. کروکی از بافت قدیم دزفول

مآخذ: اداره میراث فرهنگی شهرستان دزفول، ۱۳۹۸

نقش چند عملکردی

اغلب این بخش از شهر به عنوان شهری زیبا، زنده، جذاب و امن یاد می شود. دارای ساکنینی است که یا در این بافت و یا در نزدیک به آن - بافت میانه - شهر زندگی می کنند. در این بخش شهر به دلیل بیشترین کاربری اراضی به مسکونی و تجاری اختصاص یافته حضور ۲۴ ساعته مردم به طور یقین قطعی است، و خیابان ها نه تنها در طی روز سرشار از زندگی است بلکه کیفیت زندگی در این محیط شهری به صورت عمومی مطرح می شود و ساکنان به طور ناخودآگاه بر محیط نظارت خواهند داشت. این نوع بافت فواید اقتصادی و اجتماعی بسیار را در بر دارد. فایده اجتماعی آن روابط اجتماعی سالم و متعادلی است که بین اقشار مختلف جامعه، یعنی کارمندان ادارات، مغازه داران و ساکنان بخش مسکونی به وجود آورده، و برای عابران پیاده در این محیط شهری بعد از ساعات اداری امنیت فراهم می کند. در واقع شهرسازی بافت قدیم شهر دزفول استفاده ای چند منظوره از فضاها، به علت ادغام فعالیت های مختلف با هم در کاربری از زمین، تاسیسات زیر بنایی و خدمات شهری صرفه جویی اقتصادی به همراه دارد. از نظر برنامه ریزان و طراحان شهری، این بافت قدیمی، با نقش چند منظوره خود آشکارا بر بافت های جدید تک عملکردی برتری دارد. حفظ این بافت قدیمی و بافت میانه اطراف آن و احیای مجدد آن با نقش چند عملکردی آنها از یکنواختی محیط شهر دزفول جلوگیری می نماید و تعادلی در ساختار شهری به وجود می آورد (شکل ۵).



شکل ۵: نقشه هوایی شهر دزفول ۱۴۰۲

مآخذ: <https://topomap.ir> و مطالعات میدانی نگارنده

زندگی امروز در شهر دزفول

بی‌مهری به بافت قدیمی شهر دزفول را می‌توان به فرایند گریز از مرکز توصیف کرد. این بافت ارزشمند که در مرکز شهر قرار دارد اما در چهار دهه اخیر، شهرنشینی در این شهر با تخلیه مرکز شهر یا همان فرایند گریز از مرکز همراه بوده است. یکی از دلایل گریز از این بافت، ماهیت فیزیکی بافت قدیمی است. بافت خشت و گل مصالح کم دوامی هستند که اگر در این بافت زندگی جریان نداشته باشد و به این مواد کم دوام رسیدگی نشود خراب می‌شوند و فرو می‌ریزند. بجز مصالح ناپایدار، این بافت فاقد تجهیزات زندگی امروزی است. این وضعیت موجب گریز ساکنان اصیل و افت منزلت اجتماعی این بافت شده است. به دنبال آن هم خروج سرمایه و کاهش ارزش اقتصادی و قیمت زمین اتفاق افتاده است.

همچنین عوامل مؤثر دیگر به مدیریت توسعه و عمران شهری و به سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیریهای چهار دهه اخیر مربوط می‌شود که درایت لازم را در بهره‌وری از این بافت ارزشمند قدیمی وجود نداشته و حتی این بافت را به نابودی کشانده. این بی‌توجهی به بافت قدیم محدود نشده بلکه بافت‌هایی را هم که ۳۰ تا ۴۰ سال قدمت دارند، در بر می‌گیرد.

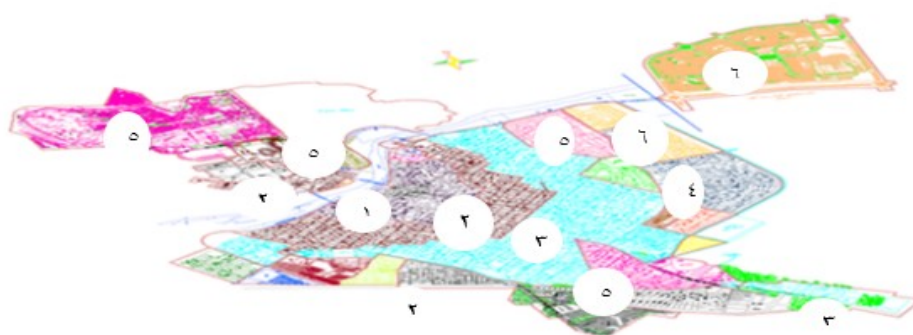
در بافت‌های جدید مسئله این است که رشد افقی شهر مهار نشده، با توجه به مهاجرپذیری شهر دزفول و نیاز به مسکن، رشد فیزیکی شهر به سمت اراضی بکر و حاصلخیز کشاورزی شهر گسترش یافته است، بنابراین سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نتوانسته‌اند رشد فیزیکی شهر را مهار کنند. تراکم جمعیت حدود ۱۰۰ نفر در هکتار است، این تراکم آنقدر عرف شده است که در طرح‌های جدید تراکم ۱۰۰ نفر در هکتار را تعریف می‌کنند در حالی که تراکم جمعیت در بافت قدیم این شهر بسیار بیشتر بوده و شهر بافت متراکمی داشته است. مسئله بسیار جدی و مؤثر دیگر در بافت‌های جدید و امروزی شهر دزفول مالکیت زمین و سوداگری آن است. سیاستگذاران و برنامه‌ریزان به جای اینکه به زنده سازی اسکان در بافت‌های قدیمی و میانه‌پردازان - مانند اجرای پروژه‌های عمرانی و احداث مجموعه‌های مسکونی مناسب - به تفکیک و واگذاری اراضی بایر پرداختند. چون دولت بر اراضی داخل شهر مالکیت نداشت، بنابراین به اراضی ملی و پیرامون شهر روی آورد و این اراضی در وسعت چشمگیری تفکیک و در جهت ساخت و ساز شهری قرار گرفت. متقاضیان مسکن هم چون محدودیت مالی فراوان داشتند با ساخت و سازهای ناموزون بافت حاشیه‌ای را گسترش دادند. به دنبال آن باید تجهیزات و تاسیسات زیربنایی مانند برق، آب و سایر نیازهای زندگی را هم گسترش داد. در حالی که در داخل شهر دزفول و در یک وسعت قابل تعریف بافت قدیمی این تجهیزات و تاسیسات را داشت، اما به حال خود رها شد. چنین سیاستی به از هم گسیختگی بافت ارزشمند درون شهر منجر شده است.

بعد از یک دهه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران پی بردند که زمین را به صورت خام به متقاضیان مسکن ندهند بلکه آماده سازی کنند. حداقل بر، کف و شبکه‌های زیربنایی را طراحی کنند. گسترش مناطق پیرامون شهر و رها کردن بافت قدیمی داخل شهر یک اشتباه مدیریتی بود.

سیاست اشتباه دیگر در دهه‌های اخیر این بود که بافت ارزشمند داخل شهر را رها کردند و برای جبران این غفلت و پس از اینکه واگذاری اراضی پیرامون شهر و طرح‌های آماده سازی مسائلی همچون بی‌هویتی و فقدان روحیه مدنی در

بافت های جدید را به وجود آورد، طرح های بهسازی و نوسازی شهری مطرح شد. هدف بازگشت به ارزش ها بود اما در عمل اراضی بزرگ مرکز شهر تملک شد، بخش هایی از آنها را کوبیدن و با بافت قدیمی شهر با سیاست بساز و بفروش برخورد شد. در صورتی که می شد به روش به اصطلاح زرگری، با درایت تمام و با دیدگاه مرمت بافت وارد عمل شد. در صورتی که اقدامات سیاستگذاران و برنامه ریزان باید بیشتر مرمت بافت را مورد توجه قرار دهد نه مداخله گسترده را. مرمت از طریق برگزیدن درست کانون های مداخله، تا این کانون ها در پیرامون خود تحریک توسعه کنند. برای تحریک توسعه، باید سرمایه اولیه را تزریق کرد تا سرمایه خصوصی جذب شود. در این فرایند مردم جلو نمی آیند چون در این بافت ها سختی کشیده اند و از آنها فرار کرده اند. اما با ملاحظات موضوعی و به محض اینکه زندگی در این بافت رواج یابد مردم بازمی گردند. البته این فرایند، فرایندی طولانی است. اما در کوتاه مدت هم می توان اقداماتی کرد و با تخصیص امتیازاتی مردم را به بازگشت و احیای مجدد بافت تشویق کرد. اقداماتی چون: آب، برق، گاز و سایر نیازها را ارزانتر در اختیار متقاضی قرار داد؛ زیرا در این بافت تاسیسات زیربنایی وجود دارد و فقط باید ترمیم شود. عوارض شهرداری را می توان در این منطقه کاهش داد. ادارات دولتی، دفاتر گردشگری، موزه های تاریخی، ساختمان های فرهنگی برای فعالیت های فرهنگی، نمایشگاه ها، فروشگاه ها، و اقداماتی از این دست، تاثیرات زود ثمری را به همراه دارد.

از طرف دیگر و متأسفانه فضای شهری در شهرهای امروزی فقط به مسیر عبور و مرور تبدیل شده اند و کمتر در ابعاد اجتماعی پاسخگو به نیازهای انسان امروزی اند و در این میان فضاهایی که باعث رضایت خاطر انسان شوند حذف شده اند. بدون شک با توجه به نقش مهمی که فضاهای عمومی و شهری در جامعه انسانی بازی می کنند و با توجه به کارکرد مطلوبی که فضاهای مذکور در تامین سلامت همگانی و رفاه اجتماعی و پیشبرد اهداف فرهنگی و آموزشی دارند، تجدید و احیای فضاهای ارزشمند شهری و خلق فضای مطلوب، پاسخگو به نیازهای شهروندی و همسایگی لزوم خلق مکانی را مطرح می سازد که در آن افراد در تعامل با یکدیگر و جامعه قرار می گیرند تا به تثبیت جایگاه اجتماعی خود بپردازد. برای اینکه فرد به حس تعلق به محیط پیدا کند نیاز به ایجاد محیطی خلاق در طراحی ورودی شهر، ورودی محله، میدان، جلوخان، فلکه، مسیر، مسیر پیاده، مسیر دوچرخه و ... است که این مهم در ساخت و سازهای جدید به ندرت مورد توجه قرار می گیرد.



۱. بافت قدیم قبل از سال ۱۳۰۰	۲. بافت میانه بین ساله های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۵
۳. بافت بین سال های ۱۳۴۵-۱۳۷۵	۴. بافت بین سال های ۱۳۷۵-۱۳۸۵
۵. بافت بین سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۵	۶. بافت از سال ۱۳۹۵ تا کنون

شکل ۶: مراحل رشد کالبدی شهر دزفول

مأخذ: هوشمندی، ۱۴۰۰ و مطالعات میدانی نگارنده ۱۴۰۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اغلب شهرهایی که از آنها به عنوان شهرهای زیبا، زنده، جذاب و امن یاد می‌شود. دارای ساکنینی هستند که یا در مرکز شهر زندگی می‌کنند یا در مناطقی در نزدیک به مرکز شهر زندگی می‌کنند.

بافت های قدیمی دارای چنان کیفیت محیطی هستند که ما الان قادر به ایجاد آن نیستیم. این کیفیت محیطی با ارزش های زیبایی شناختی همراه است. فضای کالبدی در این بافت ها خاطره انگیز است، ما را با سازمان فضایی زندگی نسل های گذشته آشنا می‌کند و نشان می‌دهد ما دارای مدنیت جدی و شایسته بوده ایم. این در واقع همان چیزی است که امروزه با عنوان هویت مطرح می‌شود. رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکان های معین پر اهمیت جلوه می‌کنند. علت افتراق مکان ها، تمرکز ارزش ها، دیدگاه ها، هدف ها و تجربه های مختلف در آن هاست. از این رو، مکان ها، عوامل اصلی در سامانمندی تجربیات و قضاوت های ما از جهان می‌باشند.

شهر دزفول با قدمتی بیش از ۵ هزار ساله جزء شهرهای حائز اهمیت است که دارای بافت قدیم به مساحت ۲۴۴ هکتار در حاشیه رود دز می‌باشد و طبق تقسیم بندی محله ای ۲۸ محله تقسیم شده است که هر محله دارای مرکز محله، مسجد، مدرسه، قمش (سربطاق) و حمام بوده، که هر کدام از این عناصر موثر در شیوه زیستن مردم در آن اعصار بوده است. بافت قدیمی شهر دزفول در ذات خود هماهنگ است، چون به صورت ارگانیک و در طول زمان شکل گرفته است. عناصر تشکیل دهنده آن هم پیوند هستند و یکدیگر را کامل می‌کنند. درست در مقابل ناهنجاری و ناهماهنگی که در فضاهای جدید این شهر می‌بینیم. علاوه بر این در بافت قدیمی دزفول عرصه های فضایی با مقایس های مختلف وجود دارد.

لذا بافت قدیم شهر دزفول را می‌توان هم از دیدگاه ارزشگذاری موزه ای تقویت و مورد توجه قرار داد که مستلزم سیاست ها و برنامه های حفاظتی است، و نگرش دیگری هم وجود دارد که مبتنی بر زنده کردن و روان بخشی همه



جانبه است. این بافت را باید به الزامات زندگی امروزی مجهز کرد چون بجز تاثیر نوستالژیک، امروزه هم می توانیم از این بافت استفاده کنیم. یعنی در واقع از وجه مادی این ثروت به یادگار مانده بهره مند شویم. کم توجهی به بافت قدیمی شهر دزفول را می توان به فرایند گریز از مرکز توصیف کرد. این بافت ارزشمند که در مرکز شهر قرار دارد اما در چهار دهه اخیر، شهرنشینی در این شهر با تخلیه مرکز شهر یا همان فرایند گریز از مرکز همراه بوده است.

متاسفانه فضای شهری در شهرهای امروزی فقط به مسیر عبور و مرور تبدیل شده اند و کمتر در ابعاد اجتماعی پاسخگو به نیازهای انسان امروزی اند و در این میان فضاهایی که باعث رضایت خاطر انسان شوند حذف شده اند. بدون شک با توجه به نقش مهمی که فضاهای عمومی و شهری در جامعه انسانی بازی می کنند و با توجه به کارکرد مطلوبی که فضاهای مذکور در تامین سلامت همگانی و رفاه اجتماعی و پیشبرد اهداف فرهنگی و آموزشی دارند، تجدید و احیای فضاهای ارزشمند شهری و خلق فضای مطلوب، پاسخگو به نیازهای شهروندی و همسایگی لزوم خلق مکانی را مطرح می سازد که در آن افراد در تعامل با یکدیگر و جامعه قرار می گیرند تا به تثبیت جایگاه اجتماعی خود پردازند.

منابع و مأخذ

- ۱) چنگیزی، نگار، واحمدیان، رضا (۱۳۹۲). بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی بازار کرمان). فصل‌نامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۱.
- ۲) حامدی نیا، مهدی (۱۳۹۳). معماری دزفول باستان، انتشارات دار المومنین.
- ۳) زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳). اندازه شهر، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۴) رزقی مریم، و رزقی، کامبیز (۱۳۹۲). تحلیل فضاهای شهری، انتشارات اول و آخر.
- ۵) شکوئی، حسین (۱۳۹۰). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد اول، انتشارات گیتا شناسی.
- ۶) شکوئی، حسین (۱۳۹۰). جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، انتشارات جهادی دانشگاهی.
- ۷) قربانی، رسول (۱۳۹۴). اصول و مبانی برنامه ریزی شهری، انتشارات سمت.
- ۸) کامیار، غلامرضا (۱۳۹۴). حقوق شهری و شهرسازی، انتشارات مجد.
- ۹) نظریان، اصغر (۱۳۸۸). پوشش نظام شهری ایران، انتشارات مبتکران.
- ۱۰) قبادیان، وحید، و فیض‌مهدوی، محمد (۱۳۸۴). طراحی اقلیمی-اصول نظری و اجرایی کاربرد انرژی در ساختمان، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱) هوشمندی، علی (۱۴۰۰). ساماندهی و ارتقای محیطی فضاهای شهری با تاکید بر پارک‌های اکولوژیک، مطالعه موردی: پارک‌های حاشیه رودخانه دز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک.
- ۱۲) یزدان، علی پناه، و جلیلی، تورج (۱۳۹۴)، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.

13) <https://chamadaneabi.ir/mahallate-dezful/>

14) <https://topomap.ir>